



دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر
فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی فضای جغرافیایی

سال شانزدهم، شماره‌ی ۵۴
تابستان ۱۳۹۵، صفحات ۲۶۰-۲۳۷

جواد حاجی علی زاده^۱
چمران موسوی^۲
عطاله زرافشان^۳

تحلیلی بر همبستگی بین الگوی حکمروایی شایسته شهری و میزان مشارکت شهروندی (مطالعه موردی شهر شیراز)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۳/۳۱

چکیده

مقاله حاضر با هدف سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری شهر شیراز بر اساس الگوی حکمرانی خوب شهری تدوین شده است و به بررسی معناداری رابطه بین معیارهای حکمرانی شهری (شفافیت و پاسخگویی، عدالت اجتماعی، آگاهی شهروندی، اعتماد اجتماعی، کارآیی و اثربخشی) به عنوان متغیرهای مستقل با متغیر وابسته مشارکت شهروندان در مدیریت شهری پرداخته است. نوع تحقیق کاربردی و روش مطالعه توصیفی-همبستگی می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات، پیمایشی و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS صورت گرفت. حجم نمونه تحقیق با استفاده از فرمول کوکران ۴۰۰ نفر محاسبه گردید. نتایج تحقیق نشان داد که از بعد ذهنی تمایل شهروندان به مشارکت در مدیریت شهری بالاست و بستر بسیار مناسبی برای مشارکت در شهر مورد مطالعه وجود

E-mail: j.h.alizadeh2010@gmail.com

۱- عضوگروه جغرافیای دانشگاه فرهنگیان، تبریز.

۲- دانشجوی دکتری گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۳- دانشجوی دکتری گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

دارد. اما در بعد عینی مشارکت شهروندان از سطح حداقلی پیروی می‌کند. بر اساس نتایج آزمون همبستگی پیرسون، بین معیارهای حکمرانی با متغیر وابسته، مشارکت شهروندان در مدیریت شهری با اطمینان ۹۹٪ درصد ارتباط معنی‌داری وجود دارد. همچنین نتایج آزمون مشخص کرد که بین معیارهای حکمرانی ارتباط متقابل و تنگاتنگی وجود دارد.

کلید واژه‌ها: مدیریت شهری، مشارکت شهروندی، حکمرانی خوب شهری، شهر شیراز.

مقدمه

شهرنشینی امروزه یکی از چالش‌های مهم است که بیش‌ترین میزان آن در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بوده، سالانه تا ۶۰ میلیون شهروند به فقیرترین کشورهای این نقاط افزوده می‌شود (استفن و استریت وایر، ۲۰۰۸: ۳۰۰).^۴ محیط شهری پیچیده، پویا و متنوع، مستلزم ظرفیت بالای مدیریت است که حکمرانی خوب شهری قابلیت فراهم کردن آن را دارد. نظریه حکمروایی مطلوب با شاخصه‌هایی مانند مشارکت‌جویی، پایداری یا تداوم‌پذیری، حق و اختیار تصمیم‌گیری، عدالت، کارایی و اثر بخشی، شفافیت و پاسخگویی، شهروند مداری و التزام مدنی و امنیت می‌تواند در زمینه نهادینه‌سازی مفهوم مشارکت و ارتقاء ارزش‌های مردم سالاری مفید واقع شود (هابیت، ۲۰۰۹: ۱۲).^۵ در این مدل مسئولیت اداره عمومی شهر میان سه نهاد حکومت، جامعه مدنی و بخش خصوصی تقسیم شده است که هر سه مورد از لوازم توسعه انسانی به شمار می‌روند (ایمانی جاجرمی و دیگران، ۱۳۸۱: ۹). الگوی حکمروایی خوب شهری به عنوان فرآیند مشارکتی توسعه تعریف می‌شود، که به موجب آن همه ذینفعان شامل حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی وسایلی را برای حل مشکلات شهری فراهم می‌کند (ام سی کارنی ات ال، ۱۹۹۵: ۱۲).^۶ در واقع حکمرانی به افراد و سازمان‌هایی می‌پردازد که در فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات نقش دارند (هابیت، ۲۰۰۹: ۱۲). یکی از جنبه‌های مهم نظریه حکمروایی خوب شهری، همان بعد مشارکت است چرا که اصل و بنیان نظریه مذکور بر حکومت مردمی استوار است. یعنی حکومتی که مردم اداره امور را بر عهده خواهند داشت (دکر و کمپن، ۲۰۰۴: ۴۳).^۷ در این پژوهش در راستای تحقق حکمروایی خوب شهری و همچنین به دلیل گستردگی مفهوم حکمروایی شهری، بر روی یکی از شاخصه‌های آن یعنی بعد مشارکت متمرکز می‌شویم تا میزان آن در

4- Stephens and Stterthwaire

5- Un- Habitat

6- McCarney et al

7- Dekker and Kempen

مدیریت شهری شیراز بررسی شود. نوشتار حاضر، به بررسی اهدافی چون، میزان مشارکت شهروندان (هم از بعد ذهنی و هم از بعد عینی) در مدیریت شهری شهر شیراز و معناداری رابطه بین معیارهای حکمرانی خوب شهری (از جمله شفافیت و پاسخگویی، عدالت اجتماعی، کارایی و اثربخشی، حقوق شهروندی و همچنین اعتماد اجتماعی) با مشارکت شهروندان در مدیریت شهری شهر شیراز می‌پردازد. بدین ترتیب سوال آغازین پژوهش حاضر را می‌توان بدین صورت مطرح ساخت که آیا بین الگوی حکمروایی شایسته شهری و میزان مشارکت شهروندی در شهر شیراز رابطه معنی‌داری وجود دارد؟

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر، در پی تلفیق دو شاخه مشارکت و حکمروایی خوب شهری است؛ لازمه انجام چنین پژوهشی، برخورداری از دیدگاهی است که قابلیت همه جانبه نگری داشته باشد. نوع تحقیق به صورت کاربردی-توسعه‌ای و روش مطالعه اسنادی، تحلیلی و پیمایشی می‌باشد. برای تکمیل اطلاعات موجود، از منابع دسته اولی چون پرسشنامه استفاده شده است، جامعه آماری مورد مطالعه شهروندان شهر شیراز (در سرشماری سال ۱۳۹۰) می‌باشند. برآورد حجم نمونه نیز با استفاده از روش کوکران و در فاصله اطمینان ۹۵ درصد برابر ۴۰۰ نفر بود. برای بررسی میزان مشارکت و سایر عوامل از طیف پنج گزینه‌ای مقیاس لیکرت و آزمون تی تست (T-test) استفاده گردید و جهت تجزیه و تحلیل نهایی اطلاعات پرسشنامه از نرم‌افزار SPSS آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. در خصوص اعتبار و روایی وسیله اندازه‌گیری، می‌توان گفت که پرسشنامه مقدماتی، ابتدا به تعدادی از متخصصین مربوطه، ارجاع گردیده و در نهایت اعتبار وسیله اندازه‌گیری با حذف و اصلاح گویه‌ها توسط اساتید و خبرگان دانشگاهی حاصل شد. برای بررسی پایایی گویه‌ها و شاخص‌های مربوطه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید.

در این تحقیق جهت سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری شیراز، مشارکت به دو بعد عینی و ذهنی تقسیم‌بندی شده است. هر کدام از این ابعاد دارای شاخص‌هایی است که در مجموع از شش شاخص جهت سنجش مشارکت استفاده شده است.

مشارکت ذهنی: بعد ذهنی مشارکت که معمولاً به دو زیر مقیاس نگرش و تمایل تقسیم می‌شود. در تحقیق حاضر برای سنجش مشارکت در بعد ذهنی از یازده گویه استفاده شده که از هفت گویه جهت سنجش نگرش مشارکت و

چهار گویه جهت سنجش تمایل به مشارکت استفاده شده است. (جدول ۱) ابعاد، شاخص‌ها و گویه‌های ذکر شده را نشان می‌دهد.

مشارکت عینی: بعد عینی و رفتاری مشارکت اجتماعی که به صورت عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم‌گیری بروز می‌کند. برای سنجش مشارکت در بعد عینی ما از چهار شاخص (پرداخت هزینه‌های اقتصادی و درآمدی شهر، وضعیت نظارت و انتقاد از عملکرد مدیریت شهری، عضویت در انجمن‌ها و سازمان‌های داوطلبانه، وضعیت همکاری و شرکت در تهیه طرح‌های شهری) استفاده کردیم. در نهایت از مجموع دو نوع مشارکت مذکور (مشارکت از بعد ذهنی و مشارکت از بعد عینی)، میزان مشارکت کل در مدیریت شهری شیراز مورد سنجش قرار گرفت.

جدول ۱- مدل تحلیلی تحقیق: ابعاد، شاخص‌ها و گویه‌های مشارکت شهروندی در مدیریت شهری

مؤلفه	ابعاد	شاخص‌ها	گویه‌ها	ضرب‌بندی	ضرب‌بندی پایلی هر شاخص	ضرب‌بندی پایلی کل	آماره K.S	ضرب‌بندی معنی‌داری
مشارکت شهروندی	ذهنی	نگرش به مشارکت	فعالیت‌های عمرانی (ایجاد میدان، خیابان، مدرسه و ...); فعالیت‌های مربوط به محیط‌زیست (ایجاد فضای سبز، جنگل‌کاری و ...); فعالیت‌های مربوط به خدمات شهری (نظافت شهری، دفع زباله و ...); فعالیت‌های مربوط به رفاه شهری (ایجاد فرهنگ‌سرا، کتابخانه و ...)	۰/۸۲	۰/۸۳	۰/۶	۱/۵۶۴	۰/۰۶
			انسجام و همدلی با مسئولین؛ عملکرد بهتر مدیریت شهری؛ ایجاد روحیه همدلی و وفاق در جامعه؛ استفاده بهینه از امکانات مادی و غیرمادی؛ کاهش هزینه‌های مدیریت شهری؛ کارآمدی و توانمندی مدیریت شهری	۰/۸۴				
	عینی	وضعیت پرداخت هزینه‌های اقتصادی و درآمدی شهر	پرداخت عوارض و یهای خدمات شهری؛ کمک‌هزینه مستقیم به شهرداری؛ تامین مالی هزینه انجام طرح‌های شهرداری	۰/۸۱				
			وضعیت انتقاد و حضور از عملکرد مدیریت شهری	۰/۸۶				
			عضویت در انجمن‌ها و سازمان‌های داوطلبانه	۰/۸۶				
			وضعیت همکاری و شرکت در تهیه طرح‌های شهری	۰/۷۱				

در این نوشتار همچنین جهت نشان دادن تأثیر متقابل معیارهای حکمرانی خوب (از جمله شفافیت و پاسخگویی، عدالت اجتماعی، کارایی و اثربخشی، حقوق شهروندی و همچنین اعتماد اجتماعی) با مشارکت کل شهروندان در مدیریت شهری، به بررسی معناداری رابطه بین این متغیرها پرداخته شد. (جدول ۲) مدل تحلیلی تحقیق برای شاخص‌ها و گویه‌های حکمرانی خوب شهری را نشان می‌دهند. با توجه به این جدول، پرسشنامه‌ای جهت آزمون و سنجش اهداف مطرح در تحقیق، طراحی گردید که در ادامه ضمن توضیح هر کدام از ابعاد و شاخص‌ها، به یافته‌های تحقیق پرداخته می‌شود.

جدول ۲- مدل تحلیلی تحقیق (شاخص‌ها و گویه‌های حکمرانی خوب شهری)

ضریب معنی داری	آماره K.S	ضریب پایایی کل	ضریب پایایی هر شاخص	گویه‌ها	شاخص
۰/۰۷	۱/۲۸	۰/۸۸	۰/۸۲	اطلاع‌رسانی به شهروندان در خصوص مسائل مختلف شهری؛ نظرخواهی از شهروندان در خصوص برنامه‌ها و طرح‌های شهری؛ وضوح رویه‌ها و مسولیت‌ها در امور مختلف شهری	شفافیت و پاسخگویی
			۰/۷۹	خدمات شهری؛ عملکرد شهرداری	کارایی و اثربخشی
			۰/۷۴	توزیع خدمات در سطح شهر؛ روند تهیه طرح‌های شهری	عدالت اجتماعی
			۰/۸۹	حقوق؛ وظایف	آگاهی شهروندی
			۰/۸۱	انتقادپذیری مسولین؛ صداقت مسولین؛ قابل اعتماد بودن مسولین	اعتماد اجتماعی

چنانچه ملاحظه می‌گردد، ضریب پایایی پرسشنامه مربوط به مشارکت شهروندی و حکمروایی خوب شهری به ترتیب برابر ۰/۸۳ و ۰/۷۸ بوده و بیانگر آن است که داری پایایی کافی است. همچنین در آزمون نکویی برازش نمونه‌های تحقیق از آزمون K.S استفاده شد. خروجی محاسبات بیانگر آن است که توزیع نمونه‌ها در دو پرسشنامه نرمال می‌باشد.

پیشینه پژوهش

کاربرد مفهوم حکمروایی خوب شهری از اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ در آفریقا آغاز شد (کاظمیان، ۱۳۸۶: ۶). این مفهوم در فرآیند تحول موضوعی خود شاهد نظریه‌های بسیاری در رابطه با لزوم بازنگری در شیوه‌های مدیریتی در سطح

جهان بوده است. از جمله آن‌ها می‌توان بر «پر مسئولیت بودن دولت» (آنتونی گیدنز)^۸، «بحران مشروعیت دولت» (یورگن هابرماس)^۹ و «دولت حداقلی» (رابرت نازیک)^{۱۰} و نظریه‌ی «رژیم شهری» (الکین، استون)^{۱۱} اشاره نمود؛ اگرچه این نظریه‌ها و دیدگاه‌های هر یک از منظرهای خاص به این مفهوم نگریسته‌اند اما جملگی تاکید بر کاهش نقش دولت و افزایش نقش نهادهای غیر دولتی در اداره‌ی زندگی اجتماعی و مدیریت سرزمینی و شهری استوارند (برک پور، ۱۳۸۵: ۵۶).

در ایران نیز، این مفهوم، از زوایای مختلف توسط اندیشمندان داخلی مورد کاوش علمی قرار گرفته است. علی‌اکبر تقوایی و رسول تاجدار (۱۳۸۷) در مقاله خود که با رویکرد تحلیلی تحت عنوان: درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکردی تحلیلی پرداخته‌اند، هدف از انجام این مقاله را بررسی و تحلیل مفاهیم و اصول مرتبط با حکمروایی خوب شهری و بررسی نمونه‌ای از تجارب داخلی مرتبط با این رویکرد عنوان کردند. اسماعیل‌زاده و صرافی (۱۳۹۰) در مقاله خود به بررسی جایگاه حکمروایی خوب در برنامه‌ریزی شهری که به صورت موردی در متروی تهران اقدام نموده است؛ هدف از انجام این پژوهش، برنامه‌ریزی برای اجرای طرح متروی تهران از دیدگاه فرآیندی (مورد مطالعه قرار دادن مراحل تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی برای اجرای طرح مترو)، نتایج پژوهش نشان داد که برنامه‌ریزی برای مردم بوده است نه برنامه‌ریزی با مردم، چرا که مردم در فرآیند برنامه‌ریزی و اجرای طرح نقش خاصی نداشتند و تنها نظاره‌گر و استفاده‌کننده نتایج طرح می‌بوده‌اند. رضایی و شمشیری (۱۳۹۱) به بررسی جایگاه نظام حکمروایی خوب شهری در ساختار مدیریتی شهر یاسوج پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که حکمروایی خوب شهری از طریق حکومت حداقلی، بازار گسترده و سیاست‌گذاری مطلوب فراهم می‌گردد. با توجه به جدول ماتریس داخلی خارجی، جایگاه حکمروایی خوب شهری در یاسوج در موقعیت تدافعی قرار گرفته است؛ لذا از طریق کاهش و به حداقل رساندن نقاط ضعف داخلی که مهم‌ترین آن‌ها عدم مشارکت شهروندان؛ موازی کاری و عدم هماهنگی سازمان‌ها و متناسب نبودن قوانین با نیازهای جدید می‌باشد می‌توان جایگاه نظام حکمروایی خوب شهری در ساختار مدیریتی شهر یاسوج را افزایش داد.

ابراهیم‌زاده و دیگران (۱۳۹۲) در مقاله خود تحت عنوان تحلیل و ارزیابی میزان تحقق‌پذیری حکمروایی خوب شهری در ایران در شهر کاشمر، پرداختند. این پژوهش به وسیله اتخاذ نگاه مشارکتی و همکاری سه ضلع مثلث حکمرانی شهری (شورای شهر، دولت و شهروندان) از طریق کارکردهای متأثر از عملکرد شهرداری و شورای شهر

8- Antony Gidenz

9- yorgen Habermars

10- Rabert Nazik

11- Alkin, Eston

صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان داد که حکمروایی خوب شهری، از طریق همکاری متقابل شوراهای اسلامی شهر، دولت و مردم تحقق نیافته و عملاً مشارکت و همکاری این سه ضلع مدیریت شهری در این شهر هیچ‌گونه نقشی در تحقق‌پذیری حکمروایی خوب شهری ندارد.

مبانی نظری

اگر چه کاربرد مفهوم حکمروایی شهری از اواخر دهه ۱۹۸۰ و از آفریقا آغاز گردید، اما برایان مک‌کلین اولین نظریه‌پرداز است که در سال ۱۹۷۳ به این مفهوم پرداخت (ترابی، ۱۳۸۳: ۳۱). حکمروایی خوب شهری در سال ۱۹۹۴ به یک مشغله ذهنی و پنج سال بعد به یک اجبار تبدیل شده بود (احمد، ۲۹۵: ۱۹۹۹)^{۱۲}. سازمان ملل حکمروایی مطلوب شهری را مشارکت همه شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها می‌داند که نه تنها دولت بلکه همچنین شامل جامعه مدنی و بخش خصوصی می‌شود (رابرتس ات ال، ۲۰۰۷: ۹۶۷). حکمرانی خوب بر تبیین چگونگی حکمرانی دولت‌ها و به طور خاص بر رابطه حکومت با شهروندان دلالت داشته و صفت خوب در مهم‌ترین شاخصه‌های آن از جمله تاکید بر حاکمیت قانون، پاسخگویی دولت‌ها، مشارکت گسترده مردم در فرآیند حکومت‌داری، مسئولیت‌پذیری و عدالت‌جویی حکومت کارایی و اثربخشی آن انعکاس یافته است (اطهاری و دیگران، ۱۳۸۶: ۶۳). از این منظر، حکمروایی خوب به عنوان مدیریت شفاف و پاسخگو با هدف نیل به توسعه اقتصادی و اجتماعی عادلانه و پایدار تعریف شده است. منشأ قدرت و مشروعیت در حکمروایی شهری تمامی شهروندان و حضور آن‌ها در همه صحنه‌ها و ارکان جامعه مدنی است (شهیدی، ۱۳۸۶: ۴۲).

در جامعه امروز نیاز بشر به همزیستی در سطح بالایی احساس می‌گردد و این همزیستی در قالب شهرها تحقق می‌یابد (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۸۶: ۱۸۲). از دیدگاه دیگر، می‌توان مدیریت شهری را در مسیر یک توسعه قانونمند و پایدار مورد توجه قرار داد (طوسی، ۱۳۸۰: ۶). این مورد بیش‌تر از این جهت اهمیت دارد که نحوه مدیریت بر جریان مطلوب زندگی شهری، می‌تواند در بهبود سکونتگاه‌های انسانی و پایداری توسعه شهری، مهم‌ترین نقش را ایفا کند (شیعه، ۱۳۸۲: ۳۷). مدیریت شهری مترادف با همه بازیگران عرصه شهر است و نقش شهرداری به عنوان هسته مرکزی مدیریت شهر، هدایت، نظارت، راهبری و جلب مشارکت سایر بازیگران است (کیانی، ۱۳۸۷: ۱۰۷). تجربه نشان داده است که مشارکت مردمی در اداره امور شهری باعث بهبود کارایی، تخصیص هزینه به سوی اولویت‌های اجتماعی و پروژه‌های زیر بنایی می‌گردد. مشارکت مردمی باعث افزایش توسعه انسانی و

عامل برابری و تحقق عدالت اجتماعی-سیاسی می‌گردد (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۱: ۱۳۴). امروزه اهمیت و ضرورت مشارکت در انجام امور به منظور افزایش کیفیت، کاهش هزینه‌ها، افزایش بهره‌وری، سهم کردن شهروندان در پذیرش مسئولیت، افزایش شهروندان آگاه بر کسی پوشیده نیست (شوماخر، ۱۳۸۹: ۱۳۲). در واقع مشارکت شهروندان، موتور محرکه مدیریت شهری است. لذا ایجاب می‌کند که افراد جامعه در تمامی امور شهری، همکاری فعال و گسترده‌ای را دنبال کرده و با مشارکت فعال در جامعه، خواسته‌های مشروعشان را تحقق بخشند (ربانی و دیگران، ۱۳۸۶: ۴، حبیبی و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۴: ۱۵).

جدول ۳- اصول و شاخص‌های حکمرانی خوب

تمامی شهروندان بایستی مستقیم یا از طریق نهادهای میانجی در فرآیند تصمیم‌گیری شرکت داشته باشند که چنین مشارکتی بر مبنای آزادی بیان و آزادی انجمن‌ها صورت می‌گیرد.	مشارکت (Participation)
بیانگر ایجاد اعتماد متقابل بین حکومت و عامه مردم از طریق تأمین اطلاعات با تضمین دسترسی آسان به اطلاعات لازم و کافی است.	شفافیت (Transparency)
منظور اجرای قوانینی است که برای همه سودمند و ضروری است بدون استثناء گذاشتن میان هر یک از شهروندان، ضمن توجه به حقوق پایه انسانی و ملاحظه ارزش‌های متداول جامعه.	قانون مداری (Rule of Law)
پاسخگویی از طریق فرآیندهای انتخاب صاحبان قدرت و همین‌طور از طریق رویه‌هایی تعیین می‌گردد که بدان طریق، فرآیند تصمیم‌سازی عمومی و نتایجی که آن‌ها به وجود می‌آورند در راستای تعاملات عمومی و بازخورد آن‌ها مورد حمایت قرار می‌گیرند.	پاسخگویی (Accountability)
تاکید بر فراهم آوردن فرصت‌های برابر برای شهروندان جهت بهبود رفاه بدون تبعیض میان آن‌ها.	عدالت (Equity)
دلالت بر افزایش حساسیت مدیران حکومتی نسبت به خواسته‌های عمومی دارد.	مسئولیت‌پذیری (Responsiveness)
داشتن استراتژی مشخص و نگاه راهبردی جهت نیل به پایداری، توسعه و پیشرفت مناطق با مشارکت شهروندان از طریق فراهم آوردن حس مالکیت و مسئولیت‌پذیری بین آن‌ها. افزایش تلاش‌های نظارتی در اقدامات حکومتی و فرایندهای توسعه با مشارکت بخش خصوصی و عموم مردم.	نظارت (Supervision)
تضمین اعطای خدمات به عموم مردم با مصرف بهینه و عاقلانه منابع در دسترس.	کارایی و اثربخشی (Efficiency and Effectiveness)
تأمین آسان و سریع خدمات ضروری از طریق افزایش ظرفیت شرایط اخلاقی مدیران.	تخصص‌گرایی (Professionalism)

(UNDP, 2002: 124)

مشارکت شهروندی سنگ بنای اصلی حکمرانی خوب شهری به شمار می‌رود. مشارکت شهروندان می‌تواند به صورت مستقیم و یا از طریق نهادهای مشروع واسط میان دولت و آن‌ها یا نمایندگان منتخب‌شان باشد. البته باید دقت کرد که ایجاد دموکراسی الزاماً به معنای دخیل ساختن توقعات و انتظارات افشار آسیب‌پذیر در اتخاذ سیاست‌ها

نیست بلکه مشارکت باید سازمان‌دهی شده باشد و از طریق ابزارهای تعریف شده محقق می‌گردد (هابیت، ۲۰۰۶: ۱۸). یکی از ابعاد اساسی حکمروایی خوب شهری بر اساس دیدگاه بانک جهانی، مشارکت شهروندان می‌باشد. مشارکت شهروندان یعنی لحاظ کردن نظرات همه (مرد و زن و اقلیت‌ها) در تصمیم‌گیری‌ها، مشارکت مستقیم و غیرمستقیم در تصمیم‌گیری‌ها از طریق تمرین و سازمان‌دهی جامعه مدنی و سپس تضمین آزادی‌های اساسی مانند آزادی بیان و اجتماعات. یک حکومت محلی مشارکتی، حکومتی است که تمام شهروندان را در تصمیمات درگیر می‌کند و شامل تمام گروه‌بندی‌های جمعیتی می‌شود.

پژوهشگران و برنامه‌ریزان طی سال‌های اخیر برای بررسی میزان انطباق قوانین و مقررات موجود و اعمال مدیریت شهری با اصول حکمروایی، منجر به تکوین و توسعه روش‌های فراوان برای ارزیابی حکمروایی شهری شده‌است که بر اساس تعداد و نوع اطلاعات مورد استفاده، می‌توان مطالعات انجام شده را به سه دسته ۱- رویکرد جامع ۲- رویکرد مبتنی بر نظر شهروندان ۳- رویکرد مبتنی بر نظر نهادهای حکومتی و دولتی تقسیم نموده‌اند (برنامه توسعه سازمان ملل، ۲۰۰۸: ۷). رویکرد مبتنی بر نظر شهروندان: این رویکرد بر این اصل استوار می‌باشد که کیفیت حکمروائی محلی باید به‌وسیله ذی‌نفعان محلی تعیین شود و در این خصوص ارزیابی باید بر اساس نظریات، انتظارات، تجارب و دیدگاه‌های شهروندان و ذی‌نفعان حکمروائی محلی با استفاده از روش‌شناسی‌های مختلف مانند ارزیابی مشارکتی، پیمایش‌ها، گروه‌های بحث یا کانونی انجام می‌شود و از جمله مطالعات انجام گرفته در این خصوص خود ارزیابی حکمروائی محلی در بنگلادش (کری^{۱۴}، ۲۰۰۶: ۲۲۰)، بازرسی اجتماعی حکمروائی و ارائه خدمات عمومی در پاکستان (برنامه توسعه سازمان ملل، ۲۰۰۸: ۴۷). گفتمان حکمروایی، عنصر ذاتی همکاری بین جامعه مدنی و جامعه سیاسی و همچنین بین دولت و شهروندان است و ریشه در چشم‌انداز مدیریت عمومی نو دارد که در واقع پاسخی به ناامیدی و دلزدگی از شکست‌های مشهود دولت رفاه، در فراهم آوردن مؤثرتر و کارا تر کالاها و خدمات عمومی است (سداشیوا^{۱۵}، ۲۰۰۸: ۶). از سویی دیگر، شاخص مشارکت شهروندی به صورت گسترده‌ای به عنوان یکی از ابعاد اساسی حکمروایی مطلوب شهری پذیرفته شده است (هابیت، ۲۰۰۲: ۸). در حالی که ریطوریکای مشارکت برکنش متقابل سهمیم بودن دانش، دیالوگ سیاسی و تعهدات جمعی تمرکز دارد (مرسر^{۱۶}، ۲۰۰۳: ۷۷۴) آمارتیا سن آن را توانایی مردم برای دگرگونی واقعیت از طریق تغییر اجتماعی می‌داند (سن، ۱۹۹۹: ۸۶). بنابراین و با عطف توجه به مفاهیم سرمایه اجتماعی و فاعلیت‌مندی کنشگران شهری می‌توان گفت که مشارکت

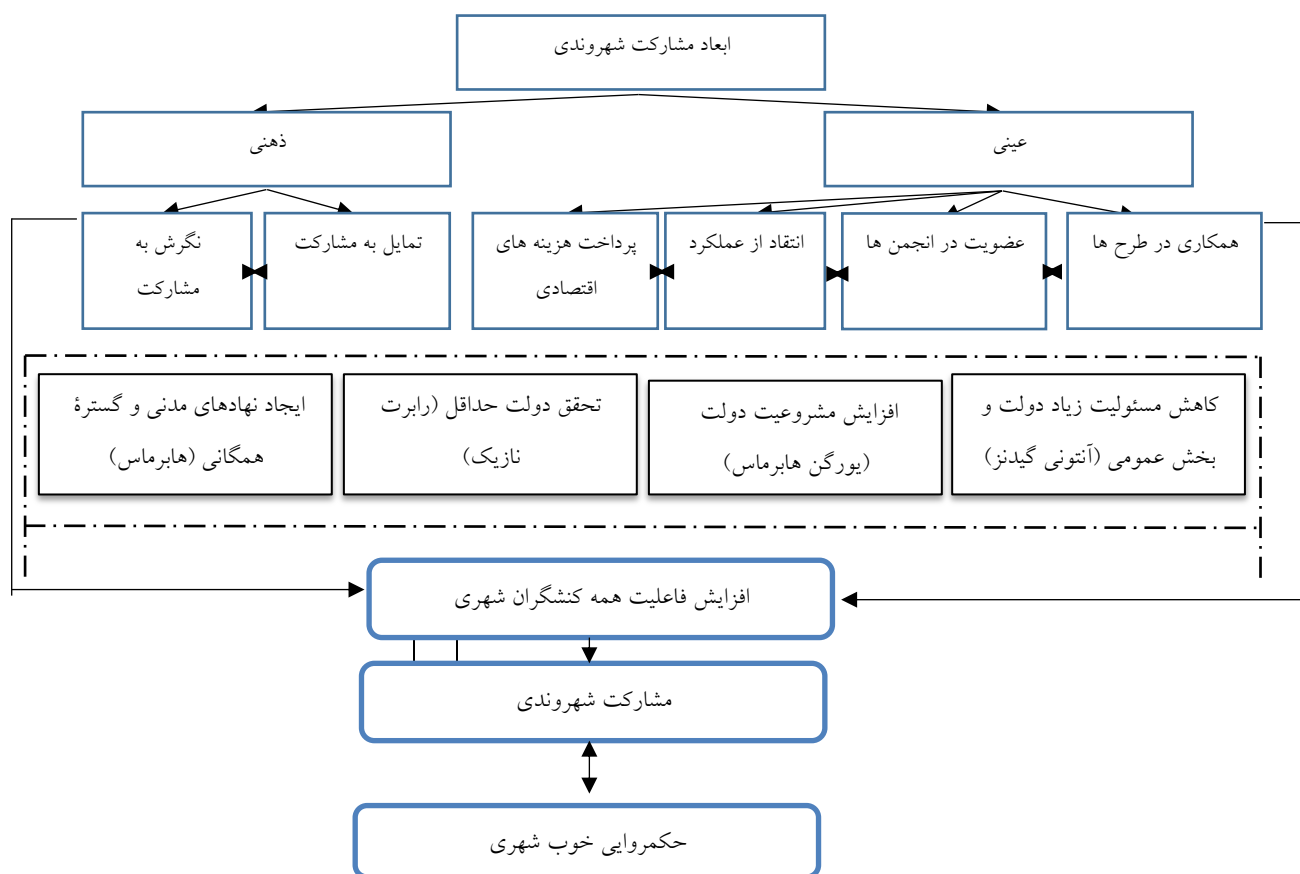
13- UN-HABITAT

14- CARE

15- Sadashiva

16- Mercer

عبارت است از فرآیند توانایی مستمر و با ثبات به منظور تعریف و تحلیل مسائل، تنظیم کردن و طرح راه حل‌ها، تحرک منابع و بکارگیری آن‌ها در همه سطوح نیازهای توسعه مردم تا کنشگران بتوانند بر فرآیندهایی که زندگی آن‌ها را متأثر می‌کند نظارت و کنترل داشته (پریس ات ال^{۱۷}، ۲۰۱۱: ۸۵) و همه مردان و زنان در فرآیند تصمیم‌گیری نقش داشته باشند. چه به صورت مستقیم و یا از طریق نهادهای مشروعی که تمایلات و علایق آن‌ها را بیان می‌کنند (سداشیوا، ۲۰۰۸: ۸) از این رو نیازمند جامعه مدنی فعال و پویا به منظور تعامل شهروندان با مدیران شهری است (پورمحمدی وهمکاران، ۱۳۹۰).



شکل ۱: چارچوب نظری تحقیق

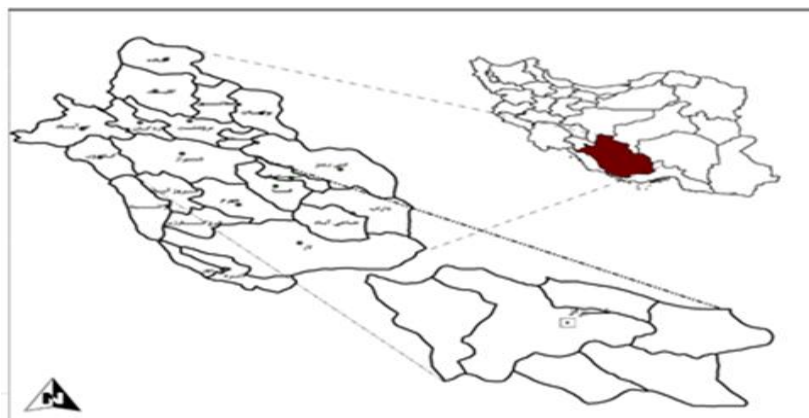
گزاره‌های بنیادین دو مفهوم مورد بحث را در نظریه‌های مختلفی می‌توان جستجو نمود. یکی از این نظریه‌ها که اندرکنش بین دو مفهوم یاد شده را نشان داده و قابل فهم می‌دارد، کنش ارتباطی هابرماس می‌باشد. با وام‌گیری از دیدگاه هابرماس، در بستر حکمروایی خوب شهری فضایی ایجاد می‌گردد که افراد به دور از دستگاه‌های ایدئولوژیک به مشارکت شهروندی و گفتمان می‌پردازند که این گفتمان نیز بر پایه اعتماد و صدق رفتار کنشگران در

کنش ارتباطی بین یکدیگر میسر می‌شود (حسین زاده و همکاران، ۱۳۹۱). همچنین در بستر این نظریه با شکل‌گیری فرم‌اسیون جامعه مدنی، گذر از دموکراسی نمایندگی به دموکراسی مشارکتی، وجود قوانین شفاف زمینه‌های ذهنی و عینی مشارکت شهروندی فراهم شده و شاهد توانمندسازی اجتماعات محلی خواهیم بود (پیری، ۱۳۸۹). آنچه از بررسی تئوری‌های مختلف قابل استنباط می‌باشد این است که مکانیزم تاثیر مشارکت شهروندی و حکمروایی خوب شهری به صورت متقابل است؛ به طوری که حکمروایی از رهگذر مشارکت تقویت می‌شود و مشارکت باعث تقویت جامعه مدنی می‌گردد.

نظریه بعدی نظریه مقتدرسازی است که ابتدا توسط راپپورت در زمینه روان‌شناسی مطرح شد. وی مقتدرسازی را به معنی هدف قرار دادن تقویت امکانات افراد برای کنترل بروی زندگی خویش برشمرده است. از این رو اگر قدرت عبارت باشد از توانایی افراد در پیش‌بینی و کنترل و مشارکت در محیط، آن گاه می‌توان مقتدرسازی را فرآیندی دانست که طی آن افراد و اجتماعات می‌توانند چنین قدرتی را به کار گیرند و به طور موثر در تغییر و زندگی خود و محیط‌شان اعمال کنند. این امر تنها از طریق فرآیند حکمرانی شهری مطلوب تحقق می‌یابد (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۵۱). در اینجا مشارکت به عنوان نوعی واسطه در حرکت به سوی اقتدار به کار می‌رود.

محدوده مورد مطالعه

شهر شیراز مرکز استان فارس، در دشتی تقریباً مستطیل شکل در ۲۹ درجه و ۳۸ دقیقه شمالی و ۵۲ درجه و ۴۰ دقیقه طول شرقی قرار گرفته است (شکل ۲)، این جلگه که در میان کوه‌های جنوبی زاگرس قرار گرفته حدوداً ۱۵۳۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. طول این دشت از منتهی الیه غرب تا دریاچه مهارلو ۱۲۰ و عرض آن از کوه‌های شمالی تا جنوبی حدود ۱۲ تا ۱۵ کیلومتر است و در حال حاضر به دلیل همین موقعیت، این شهر شکل خطی به خود گرفته (شکل ۳) که امتداد آن را می‌توان در جهت غربی، شرقی در نظر گرفت (محمودی، ۱۳۸۷: ۲۸). بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ خورشیدی، جمعیت شهر شیراز در این سال بالغ بر ۱۵۰۳۲۷۶ نفر بوده است (سایت مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).



شکل ۲: محدوده مورد مطالعه

(منبع: نقشه طرح تفصیلی شهر شیراز شهرداری شیراز؛ ۱۳۹۲)



شکل ۳: محدوده مناطق مورد مطالعه شهر شیراز (منبع: نقشه طرح تفصیلی شهر شیراز، شهرداری شیراز؛ ۱۳۹۲)

یافته‌ها و بحث

با عنایت بر وجود زمینه‌های تئوریکی و نظری در خصوص حکمروایی خوب شهری و مشارکت شهروندی و با توجه به این که روح کلی حاکم بر روش شناسی تحقیق حاضر، استدلال قیاسی و محک تجربی است؛ بر این مبنا جهت سنجش شاخص‌های مختلف پژوهش از گویه‌های مربوط به آن شاخص استفاده گردید. این گویه‌ها در مقیاس لیکرت از خیلی کم تا خیلی زیاد امتیازدهی شد که دامنه امتیاز از ۱ تا ۵ می‌باشد. با توجه به امتیازات حاصل از

طیف لیکرت، سنجش میزان مشارکت شهروندان و حکمروایی خوب شهری کلان‌شهر شیراز در سه سطح بالا، متوسط و پایین طبقه‌بندی گردید. خروجی آن در (جدول ۴) مشاهده می‌شود.

جدول ۴- میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری از بعد ذهنی

ابعاد	بالا		متوسط		پایین	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
بعد ذهنی	۱۸۴	۴۶	۱۴۱	۳۲	۷۵	۱۸
مشارکت	۲۱۲	۵۳	۱۰۲	۲۵	۸۶	۲۱
بعد عینی	۷۶	۱۹	۱۶۸	۴۲	۱۵۶	۳۹
مشارکت	۹۶	۲۴	۱۶۸	۴۲	۱۷۶	۴۴
عضویت در انجمن‌ها و سازمان‌های داوطلبانه	۱۳۶	۳۴	۱۶۴	۴۱	۱۰۰	۲۵
وضعیت همکاری و شرکت در تهیه طرح‌های شهری	۴۸	۱۲	۳۶	۹	۳۱۶	۷۹
وضعیت پرداخت	۹۲	۲۳	۱۱۲	۲۸	۱۹۶	۴۹
هزینه‌های اقتصادی و درآمدی شهر	۸۹	۲۲/۲۵	۱۳۵	۳۳/۷۵	۱۷۶	۴۴
وضعیت انتقاد از عملکرد مدیریت شهری	۱۱۵	۲۸/۷۵	۷۴	۱۸/۵	۲۱۱	۲۲/۷۵
میزان نظارت بر فعالیت‌های شهرداری	۴۴	۱۱	۵۴	۱۳/۵	۳۰۲	۷۵/۵
میزان انتقاد از اجرای قوانین شهری	۸۱	۲۰/۲۵	۸۳	۲۰/۷۵	۲۳۶	۵۹
میزان انتقاد از عملکرد مسولین شهر	۵۴	۱۳/۵	۷۷	۱۹/۲۵	۲۶۹	۶۷/۲۵
وضعیت مشارکت در تهیه طرح‌های شهری	۵۱	۱۲/۷۵	۱۲۳	۳۰/۷۵	۲۲۶	۶۵/۵
تامین نیروی انسانی (کمک فکری)	۴۷	۱۱/۷۵	۱۱۵	۲۸/۷۵	۲۳۸	۵۹/۵
تامین ابزار و وسایل فیزیکی موردنیاز (کمک ابزاری)	۶۸	۱۷	۱۴۴	۳۶	۱۸۸	۴۷
حکمروایی خوب شهری						
حکمروایی خوب شهری	۳۸	۹/۵	۵۵	۱۳/۷۵	۳۰۷	۷۶/۷۵
میزان رعایت اصول عدالت اجتماعی در روند تهیه طرح‌ها و توزیع خدمات	۳۶	۹	۸۸	۲۲	۲۷۶	۶۹
میزان کارایی و اثر بخشی (رضایتمندی از عملکرد مدیریتی شهری)	۷۰	۱۷/۵	۱۳۱	۳۲/۷۵	۱۹۹	۴۹/۷۵
میزان آگاهی شهروندی	۱۱۸	۲۹/۵	۷۷	۱۹/۲۵	۲۰۵	۵۱/۲۵
میزان اعتماد شهروندان به مدیران شهری	۷۴	۱۸/۵	۱۴۳	۳۵/۷۵	۱۸۳	۴۵/۷۵

لذا با توجه به ادبیات نظری موجود در ارتباط با آزمون همبستگی بین متغیر حکمروایی خوب شهری و مشارکت شهروندی و همچنین نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنوف (در خصوص نکوئی برآزش نمونه آماری) مبنی بر

نرمال بودن توزیع نمونه‌ها، از آزمون پارامتریک پیرسون بهره‌گیری شد. نتایج محاسبات صورت گرفته در خصوص همبستگی دو متغیر یاد شده به شرح ذیل می‌باشد (جدول ۵).

جدول ۵- نتایج آزمون همبستگی معیارهای حکمرانی خوب شهری با مشارکت شهروندان در مدیریت شهری شیراز

		مشارکت شهروندی	شفافیت و پاسخگویی	کارآیی و اثر بخشی	عدالت اجتماعی	آگاهی شهروندی	اعتماد اجتماعی	حکمرانی خوب شهری
تمایل به انجام فعالیت‌های مختلف در سطح شهر	همبستگی پیرسون	۱	۰/۲۶۲**	۰/۳۳۸**	۰/۳۵۵**	۰/۶۹۳**	۰/۳۱۷**	۰/۶۶۶
	سطح معنی داری (دو طرفه)		۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	تعداد	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰
نگرش به مشارکت	همبستگی پیرسون	۰/۳۸۲**	۱	۰/۳۷۲**	۰/۵۶۳**	۰/۶۳۱**	۰/۴۴۲**	۰/۶۴۲
	سطح معنی داری (دو طرفه)	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	تعداد	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰
وضعیت پرداخت هزینه‌های اقتصادی و درآمدی شهر	همبستگی پیرسون	۰/۳۲۸**	۰/۳۸۳**	۱	۰/۵۵۱**	۰/۲۶۸**	۰/۳۹۸**	۰/۴۷۳
	سطح معنی داری (دو طرفه)	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	تعداد	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰
وضعیت انتقاد و حضور از عملکرد مدیریت شهری	همبستگی پیرسون	۰/۲۰۵**	۰/۵۶۳**	۰/۵۵۱**	۱	۰/۳۴۵**	۰/۶۸۷**	۰/۶۰۱
	سطح معنی داری (دو طرفه)	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	تعداد	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰
عضویت در انجمن‌ها و سازمان‌های داوطلبانه	همبستگی پیرسون	۰/۶۹۳**	۰/۵۳۱**	۰/۳۸۸**	۰/۳۹۵**	۱	۰/۳۹۹**	۰/۶۳۵
	سطح معنی داری (دو طرفه)	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	تعداد	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰
وضعیت همکاری و شرکت در تهیه طرح‌های شهری	همبستگی پیرسون	۰/۴۷۷**	۰/۴۲۲**	۰/۴۷۴**	۰/۷۴۷**	۳۸۸**	۱	۰/۶۴۹
	سطح معنی داری (دو طرفه)	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	تعداد	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰
**۹۹٪ اطمینان با سطح معناداری ۰/۰۱								

سنجش میزان مشارکت شهروندان از بعد ذهنی و همبستگی آن با حکمروایی خوب شهری

با توجه به این که توزیع نمونه‌های آماری پژوهش نرمال بودند؛ لذا به منظور سنجش ابعاد مختلف مشارکت شهروندی از لحاظ ابعاد ذهنی از آزمون پارامتریک تی تست استفاده گردید. خروجی محاسبات صورت گرفته را می توان به شرح ذیل مشاهده نمود (جدول ۶).

جدول ۶- تست نمونه مربوط به سنجش مشارکت شهروندان از بعد ذهنی

ارزش آزمون به ۳			بعد ذهنی مشارکت شهروندی
آزمون تی تک	درجه آزادی	سطح معنی داری	
۳/۳۸۹	۴۰۰	۰/۰۰۲	تمایل به انجام فعالیت‌های مختلف
۳/۶۵۸	۴۰۰	۰/۰۰۰	نگرش به مشارکت

بر اساس محاسبات صورت گرفته دو بعد مربوط به مشارکت ذهنی شهروندان دارای ارزش کمی بیش‌تر از عدد شاخص (عدد ۳) بوده و شرایط مطلوبی را دارند.

همچنین بر اساس جداول (۴) در بعد «تمایل به انجام فعالیت‌های مختلف» در سطح شهر نشان می‌دهد از ۴۰۰ نفر مورد پرسش در پرسشنامه، ۱۸ درصد افراد پاسخ دهنده تمایل به مشارکت در سطح پایین، ۳۲ درصد تمایل به مشارکت در سطح متوسط و ۴۶ درصد افراد تمایل به مشارکت در سطح بالا را دارند. همچنین در بعد «نگرش به مشارکت» به ترتیب ۵۳، ۲۵، ۲۱ درصد از افراد دارای تمایل به مشارکت بالا، متوسط و پایین دارند.

در یک جمع‌بندی کلی جهت بررسی معناداری رابطه بین مشارکت شهروندان از بعد ذهنی با مشارکت شهروندان در مدیریت شهر شیراز از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. با توجه به نتایج به دست آمده از این آزمون چنین استنباط می‌شود که بین نگرش شهروندان به مشارکت و میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری رابطه معنی‌داری وجود دارد. یعنی بین نگرش شهروندان به مشارکت با مشارکت آن‌ها در مدیریت شهری ارتباط مستقیمی وجود دارد. این ارتباط در حدود ۵۱ درصد می‌باشد. یعنی ضریب همبستگی بین دو «تمایل به انجام فعالیت‌های مختلف» و «نگرش به مشارکت» به ترتیب برابر «۰/۶۶۶» و «۰/۶۴۲» می‌باشد. آنچه که مشخص است انسان ذاتاً تمایل به ابراز و اعمال اقتدار دارد و حکمروایی شهری با بستر سازی جهت رشد جامعه مدنی می‌تواند این بعد تمایل به مشارکت را به عینیت تبدیل کند. با توجه به این که نگرش به مشارکت از بعد ذهنی در سطح بالایی

قرارداد؛ لذا با توجه به مبانی نظری پژوهش می‌توان اظهار داشت که وجود چنین شرایطی بیانگر آن است که زمینه برای حکمروایی مطلوب شهری آماده است. در نتیجه با تغییر در رویکرد مدیریت شهری از نگاه حکومتی به حکمروایی می‌توان بستری را برای توسعه مشارکت اجتماعی فراهم آورد.

سنجش میزان مشارکت شهروندان از بعد عینی و همبستگی آن با حکمروایی خوب شهری

به منظور سنجش ابعاد مختلف مشارکت شهروندی از لحاظ ابعاد عینی نیز از آزمون پارامتریک تی تست استفاده گردید. خروجی محاسبات صورت گرفته به شرح ذیل می‌باشد (جدول ۷)

جدول ۷- محاسبات مربوط به سنجش مشارکت شهروندان از بعد عینی

ارزش آزمون به ۳			مشارکت شهروندان از بعد عینی
آزمون تی تک	درجه آزادی	سطح معنی داری	
۲/۵۶۶	۴۰۰	۰/۰۰۱	وضعیت پرداخت هزینه‌های اقتصادی و درآمدی شهر
۲/۴۰۲	۴۰۰	۰/۰۰۰	وضعیت انتقاد و حضور از عملکرد مدیریت شهری
۳/۵۶۴	۴۰۰	۰/۰۰۲	عضویت در انجمن‌ها و سازمان‌های داوطلبانه
۲/۳۶۵	۴۰۰	۰/۰۰۱	وضعیت همکاری و شرکت در تهیه طرح‌های شهری

خروجی آزمون آماری تی تست نشان می‌دهد که ابعاد «وضعیت پرداخت هزینه‌های اقتصادی و درآمدی شهر»، «وضعیت انتقاد و حضور از عملکرد مدیریت شهری»، «وضعیت همکاری و شرکت در تهیه طرح‌های شهری» دارای ارزش کمی کم‌تر از عدد شاخص (عدد ۳) بوده و شرایط مطلوبی را ندارند (۲/۴۴۴). صرفاً بعد «عضویت در انجمن‌ها و سازمان‌های داوطلبانه» مربوط به مشارکت عینی دارای شرایط مطلوب است (آماره تی = ۳/۵۶۴). در خصوص سنجش پرداخت هزینه‌های اقتصادی و درآمدی شهر (شاخص سوم) می‌توان اظهار داشت که پرداخت به موقع عوارض شهرداری و همچنین کمک‌های داوطلبانه مردم به شهرداری می‌تواند در اجرای بهتر طرح‌های شهری و همچنین ارائه خدمات با کیفیت مطلوب موثر باشد. از آنجایی که مهم‌ترین منبع درآمدی پایدار شهرداری برای اداره بهینه شهر، مشارکت شهروندان در پرداخت هزینه‌های زندگی شهری است، این شاخص به منظور سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری به کار می‌رود. با توجه به خروجی آزمون تی تست می‌توان اظهار داشت که ارزش کمی محاسبه شده (آماره تی) برای این شاخص از نظر شهروندان برابر «۲/۵۶۶» می‌باشد و نشان از این دارد این شاخص مشارکت شهروندی در شیراز در سطح پایین‌تر از میانگین می‌باشد.

با توجه به مبانی نظری تحقیق می‌توان در این خصوص مدعی بود که با تقویت و مقتدرسازی شهروندان از طریق فرآیند حکمروایی مطلوب شهری توانایی افراد در زمینه پرداخت هزینه‌های اقتصادی و درآمدی شهر بیش از پیش تاثیرگذار خواهد بود. بر مبنای چارچوب نظری اشاره شده، ایجاد جامعه آزاد همراه با آزادی بیان موجب مشارکت افراد در خصوص عملکردهای مدیریتی شهر می‌شود این نیز جز گذر از مدیریت شهری به حکمروایی شهری امکان‌پذیر نخواهد بود از این رهگذر شاخص نظارت و انتقاد از عملکرد مدیریت شهری مورد سنجش قرار گرفت. محاسبات نشان داد که ارزش کمی محاسبه شده (آماره تی) برای این شاخص از نظر شهروندان برابر «۲/۴۰۲» می‌باشد. از سویی دیگر، عضویت در انجمن‌ها و سازمان‌ها زمینه گسترده‌ای برای مشارکت افراد در زمینه مدیریت شهری فراهم می‌کند و موجب جذب سرمایه‌های اجتماعی می‌شود اما بدون تغییر سیاست‌های حاکم و نبود معیارهای حکمروایی مطلوب شهری امکان استفاده از این ظرفیت‌های گسترده فراهم نمی‌شود. بدین ترتیب با توجه به چارچوب تحلیلی ارائه شده، بعد عضویت در نهادها و سازمان‌های اجتماعی نیز میزان عضویت و همکاری تعداد افراد پاسخ دهنده در نهادها و گروه‌هایی از قبیل؛ انجمن‌ها و موسسات خیریه، گروه‌های ورزشی، گروه‌های هنری، بسیج، انجمن‌ها و احزاب سیاسی، گروه‌های صنفی و انجمن اولیا و مربیان را بیان می‌کند. خروجی محاسبات (آماره تی) برای این شاخص از نظر شهروندان برابر «۳/۵۶۴» می‌باشد و نشان از این دارد این شاخص مشارکت شهروندی در شیراز در سطح بالاتر از میانگین می‌باشد. در (جدول ۸) گویه‌ها و میزان مشارکت شهروندان و نوع مشارکت آن نشان داده شده است.

جدول ۸- میزان مشارکت شهروندان در گویه‌های مرتبط با شاخص عضویت در نهادها و سازمان‌های اجتماعی

نوع مشارکت	درصد	تعداد	گویه
عضویت و همکاری	۵۳/۲	۲۱۳	انجمن اولیا و مربیان
عضویت و همکاری	۴۳/۵	۱۷۴	گروه‌های صنفی
عضویت و همکاری	۷۳/۵	۲۹۴	انجمن‌ها و احزاب سیاسی
عضویت و همکاری	۵۲/۵	۲۱۰	بسیج
عضویت و همکاری	۴۵/۵	۱۸۲	گروه‌های هنری
عضویت و همکاری	۶۸/۲	۲۷۳	گروه‌های ورزشی
عضویت و همکاری	۳۷/۲	۱۴۹	انجمن‌ها و موسسات خیریه

در نهایت آنچه از چارچوب تئوریکی مقاله حاضر در خصوص بعد مشارکت عینی قابل استنباط می‌باشد این است که نمود ظاهری و کالبدی حکمروایی مطلوب شهری می‌تواند در همکاری و شرکت در تهیه طرح‌های شهری تبلور یابد. در این صورت با شکل‌گیری نهادهای محلی و استقلال آن‌ها در زمینه تصمیم‌گیری‌های محلی موجب زمینه‌سازی پایداری شهری خواهد شد. از این منظر می‌توان عنوان داشت که یکی از مهم‌ترین عواملی که سطح و میزان مشارکت عملی شهروندان را در روند تهیه طرح‌های شهری تعیین می‌کند عبارتست از مشارکت در تامین مالی، مشارکت در تامین نیروی انسانی، مشارکت در تامین ابزار و وسایل فیزیکی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی تهیه طرح‌ها. شاخص ششم (وضعیت همکاری و شرکت در روند تهیه طرح‌های شهری) با مدنظر قرار دادن عوامل ذکر شده میزان مشارکت شهروندان را در روند تهیه طرح‌های شهری در شهر شیراز مورد سنجش قرار می‌دهد. برای این شاخص سه گویه مورد سنجش قرار گرفت که در دو گویه تأمین مالی هزینه انجام طرح‌های شهری، تأمین نیروی انسانی (کمک فکری) که در گویه اول مشارکت بسیار پایین و در گویه دوم پایین رو به متوسط داشته‌اند و در گویه تأمین ابزار و وسایل فیزیکی مورد نیاز (کمک ابزاری) مشارکت بسیار پایینی صورت گرفته است که اکثر شهروندان مهم‌ترین دلیل عدم مشارکت خودشان را وضعیت اقتصادی پایین خود عنوان کرده‌اند. نتایج آزمون آماری صورت گرفته (آماره تی) برای این شاخص برابر «۲/۳۶۵» می‌باشد و نشان از این دارد این شاخص مشارکت شهروندی در شیراز در سطح پایین از میانگین می‌باشد.

نتایج به دست آمده پژوهش نشان می‌دهد که در شهر شیراز تمایل به مشارکت از بعد ذهنی بسیار بالاست و نگرش بسیار مناسبی به مشارکت در شهر مورد مطالعه وجود دارد و این که بستر مشارکت در شهر شیراز فراهم است. اما بعد عینی مشارکت که از طریق مشارکت شهروندان در نهادها و گروه‌های اجتماعی، روند تهیه طرح‌ها، وضعیت پرداخت هزینه‌های اقتصادی شهر و وضعیت نظارت و انتقاد از عملکرد مدیریت شهری سنجیده شد، در سطح پایینی قرار دارد، که در بین شاخص‌های مذکور، تنها شاخص پنج (عضویت در نهادها و گروه‌های اجتماعی) در وضعیت بهتری قرار دارد (جدول ۴).

در یک جمع‌بندی کلی در مورد سنجش میزان مشارکت از بعد عینی، نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بین مشارکت شهروندان از بعد عینی با مشارکت شهروندان در مدیریت شهری ارتباط قوی و معنی‌داری وجود دارد ($R=0.67$). همچنین بین ابعاد مختلف عینی مربوط به مشارکت شهروندی با حکمروایی خوب شهری رابطه مستقیم و نسبتاً قوی مشاهده می‌شود. به طوری که ضریب همبستگی پیرسون بین ابعاد چهارگانه مشارکت عینی شهروندان با متغیر حکمروایی خوب شهری به ترتیب «۰/۴۷۳»، «۰/۶۰۱»، «۰/۶۳۵» و «۰/۶۴۹» می‌باشد.

بررسی و سنجش معیارهای حکمرانی خوب شهری در شهر شیراز

در بین معیارهای مذکور، مشارکت اصل و بنیان نظریه حکمرانی محسوب می‌شود. در این نوشتار پنج شاخص (شفافیت و پاسخگویی، عدالت، کارایی و اثربخشی، شهروندمداری و اعتماد اجتماعی) مورد بررسی قرار گرفت. جهت سنجش معیارها تعدادی سوال در قالب مقیاس لیکرت مطرح شد و از شهروندان خواسته شد نظرات خودشان را در قالب طیف پنج گزینه‌ای مربوط به هر معیار مطرح کنند. از طریق آزمون پارامتریک تی تست، میزان رعایت معیارهای مذکور در مدیریت شهر شیراز محاسبه گردید.

جدول ۹- آماره تی محاسبه شده در خصوص ابعاد مختلف حکمروایی خوب شهری

ارزش آزمون به ۳			ابعاد حکمروایی خوب شهری
آزمون تی تک	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	
۲/۸۹۴	۴۰۰	۰/۰۰۱	شفافیت و پاسخگویی
۲/۷۶۶	۴۰۰	۰/۰۰۰	کارایی و اثر بخشی
۲/۹۰۸	۴۰۰	۰/۰۰۱	عدالت اجتماعی
۲/۹۹۱	۴۰۰	۰/۰۰۲	آگاهی شهروندی
۲/۹۰۲	۴۰۰	۰/۰۰۱	اعتماد اجتماعی
۲/۸۸۷	۴۰۰	۰/۰۰۱	حکمروایی خوب شهری

چنانچه از (جدول ۹) ملاحظه می‌گردد تمامی ابعاد حکمروایی خوب شهری در شیراز دارای آماره تی کم‌تر از سه می‌باشند. ارزش کمی محاسبه شده نشان می‌دهد که این ابعاد به طور مطلوب رعایت نشده است. همچنین جهت بررسی معناداری رابطه بین معیارهای مذکور با مشارکت شهروندان در مدیریت شهری از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی در می‌یابیم که بین معیارهای حکمرانی خوب شهری به عنوان متغیرهای مستقل و میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری به‌عنوان متغیر وابسته رابطه معنی‌داری وجود دارد (ضریب پیرسون همه ابعاد مشارکت بیش‌تر از ۰/۴ می‌باشد). نتایج نشان می‌دهد که همبستگی مثبت و مستقیمی بین متغیرها وجود دارد به این صورت که با افزایش میزان متغیرهای مستقل (معیارهای حکمرانی خوب شهری)، میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری افزایش می‌یابد. در بین معیارهای مذکور، معیار آگاهی شهروندی، ارتباط قوی و معناداری با متغیر مشارکت شهروندی دارد به طوری که این ارتباط در حدود (۶۹ درصد) و میزان شفافیت با (۲۶ درصد) کم‌ترین مقدار را به خود اختصاص داده است و همبستگی بقیه معیارها با متغیر

مشارکت شهروندی پایین می‌باشد. همان‌طور که در مباحث نظری مطرح است، بین معیارهای حکمرانی خوب شهری ارتباط متقابل و تنگاتنگی وجود دارد. نتایج جدول بالا این ارتباط را به صورت کمی نشان می‌دهد. با توجه به محاسبات صورت گرفته مشخص شد که ارتباط بین معیارهای حکمرانی خوب شهری در سطح متوسط و حتی متوسط به پایین می‌باشد.

همچنین در تعیین میزان همبستگی ابعاد مختلف مشارکت شهروندی (اعم از ذهنی و عینی) با حکمروایی خوب شهری می‌توان اظهار داشت که با توجه به ضرایب همبستگی پیرسون محاسبه شده (۰/۶۶۶، ۰/۶۴۲، ۰/۴۷۳، ۰/۶۰۱، ۰/۶۳۵، ۰/۶۴۹) در صورت تحقق حکمروایی خوب شهری بیش‌ترین بعدی که از مشارکت شهروندی تغییر می‌یابد تمایل به انجام فعالیت‌های مختلف در سطح شهر است (که یکی از ابعاد ذهنی مشارکت شهروندی است).

نتیجه‌گیری

حکمروایی خوب شهری، از طریق همکاری متقابل شوراها‌ی اسلامی شهر، دولت و مردم تحقق نیافته و عملاً مشارکت و همکاری این سه ضلع مدیریت شهری در این شهر هیچ گونه نقشی در تحقق‌پذیری حکمروایی خوب شهری ندارد.

معیارهایی چون مشارکت شهروندان، پاسخگویی، اثربخشی و کارایی، پذیرا بودن، مسئولیت‌پذیری، شفافیت، قانونمندی، جهت‌گیری توافقی، عدالت، بینش راهبردی و تمرکززدایی را مطرح کرده‌اند. با توجه به عوامل مهم بهبود حکمرانی، سه مؤلفه مشارکت شهروندان، پاسخگویی، اثربخشی و کارایی از تأثیرگذاری بیش‌تری برای تحقق‌پذیری حکمروایی خوب شهری در شهر برخوردارند.

همچنین جایگاه الگوی حکمروائی خوب که شامل اصولی از قبیل مشارکت، پاسخگویی، شهروندی، شفافیت، کارآمدی، قانون‌مداری، در جهت بررسی نقش مردم در فرآیند برنامه‌ریزی برای طرح یاد شده و میزان تعامل حاکمیت (مسوولین، مردم و بخش خصوصی) بررسی شده است.

پژوهش‌های انجام شده به نتایجی چون؛ کاهش نقش دولت و افزایش نقش نهادهای غیر دولتی در اداره‌ی زندگی اجتماعی و مدیریت سرزمینی و شهری؛ فراهم نبودن شرایط درونی و بیرونی جهت پیاده کردن حکمروایی خوب شهری؛ پیاده کردن حکمروایی خوب شهری در گرو حکومت حداقلی، بازار گسترده و سیاست‌گذاری مطلوب می‌باشد؛ تشدید مسائل پیچیده شهری و مشکلات ایجاد شده را وابسته به مدیریت و ضعیف شهری می‌باشد، و این که تأثیرگذاری و وزن بیش‌تر مشارکت شهروندان، پاسخگویی، اثربخشی و کارایی در تحقق حکمروایی خوب

شهری از حکمروایی خوب شهری به عنوان یک پارادایم شهری انسان‌گرا جهت اداره بهتر و کاهش مشکلات پیش روی شهروندان یاد می‌کند. پژوهش حاضر در راستای تکمیل پژوهش‌های قبل در تلاش برای کاربردی کردن این مدیریت از طریق فعال کردن و پررنگ‌تر کردن نقش شهروندان در راستای رسیدن به حکمروایی خوب شهری گام برداشته. نتایج به دست آمده از این پژوهش در راستای اهداف تحقیق به شرح زیر جمع بندی می‌شوند؛ بر اساس مطالعات صورت گرفته مشخص شد که تمایل به مشارکت از بعد ذهنی بسیار بالاست و نگرش بسیار مناسبی به مشارکت در شهر مورد مطالعه وجود دارد و بستر مشارکت در شهر شیراز فراهم است. بعد عینی مشارکت که از طریق مشارکت شهروندان در نهادها و گروه‌های اجتماعی، روند تهیه طرح‌ها، وضعیت پرداخت هزینه‌های اقتصادی شهر و وضعیت نظارت و انتقاد از عملکرد مدیریت شهری سنجیده شد، در سطح پایینی قرار دارد. در بین شاخص‌های مذکور، شاخص پنج یعنی عضویت در نهادها و گروه‌های اجتماعی در وضعیت بهتری قرار دارد. بر اساس تحلیل‌ها و ارزیابی‌هایی که در بخش‌های پیشین صورت گرفت، در این قسمت راهکارهایی جهت افزایش مشارکت شهروندان در اداره امور شهر شیراز پیشنهاد می‌گردد.

- آموزش‌های شهروندی و آشنا نمودن شهروندان با مفهوم شهروند، حقوق و وظایف و مسئولیت‌های آنان.
- رعایت اصول عدالت اجتماعی در روند تهیه طرح‌ها و توزیع خدمات و فعالیت‌ها در سطح مناطق شهری. این امر می‌تواند از جهات متعددی بر رضایتمندی اجتماعی، احساس تعلق به منطقه مسکونی و در نهایت بر مشارکت شهروندان در امور شهری تاثیر مثبتی داشته باشد.

- جلب اعتماد شهروندان از طرف شهرداری از طریق: برخورد یکسان با همه مراجعین در اعمال ضوابط و مقررات و پرهیز از اعطای هر گونه امتیاز خاص به اشخاص خاص، به فعلیت رساندن نظرات شهروندان، رعایت اصول اخلاقی و پرهیز از هرگونه ضابطه‌بازی، آمادگی مدیران و مسوولان شهر برای پذیرش انتقاد.

- با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در این تحقیق، مشخص شد که اکثر پاسخ دهندگان با حقوق و وظایف خود آشنایی چندانی ندارند و اکثر آن‌ها، مهم‌ترین وظیفه خود را به عنوان یک شهروند، نظافت و پاکیزگی شهر عنوان کردند. بنابراین آموزش شهروندی و آشنا نمودن شهروندان با مفهوم شهروند، حقوق و وظایف و مسئولیت‌های آنان نقش مهمی در افزایش مشارکت شهروندان دارد.

- ایجاد نهادها و سازمان‌های غیر دولتی و استفاده از این نهادهای مردمی در حل مسائل و مشکلات شهر
- گسترش شبکه‌های اطلاع‌رسانی و سامانه‌های ارتباطی جهت ارائه نظرات و پیشنهادات شهروندان به مدیران شهری

- با توجه به اظهار نظر اکثر پاسخ‌دهندگان مبنی بر نبود سامانه و شبکه‌ای در سطح شهر جهت انعکاس نظرات، ایده‌ها، انتقادات و شکایات شهروندان از عملکرد مدیریت شهری، گسترش شبکه‌های اطلاع‌رسانی و سامانه‌های ارتباطی نقش مهمی در افزایش مشارکت شهروندان دارد.
- التزام عملی هرچه بیشتر مدیران و مسولان مدیریت شهری به پاسخگو بودن در مقابل شهروندان و داشتن عملکرد شفاف
- پیوند بیشتر انجمن‌های شهری به‌ویژه شورای شهر با شهروندان از راه افزایش برگزاری نشست‌ها گردهم آیی‌ها و سمینارها و بهره گرفتن از دیدگاه‌های شهروندان در تنظیم آیین‌نامه

منابع

- اطهاری، کمال و همکاران (۱۳۸۶)، «حکمروایی شهری: مبانی نظری و ضرورت شکل‌گیری آن در ایران»، *مجله جستارهای شهرسازی*، شماره ۱۹، صص ۱۷-۲۱.
- بایزدی، ابراهیم؛ عباسی، نرگس (۱۳۸۹)، «تحلیل داده‌های پرسش‌نامه به کمک نرم‌افزار SPSS»، تهران، نشر عابد.
- برکپور، ناصر (۱۳۸۵)، «حکمروایی شهری و نظام اداره شهرها در ایران»، همایش مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، ص ۵۶.
- ترابی، علیرضا (۱۳۸۳)، «مدیریت پایدار شهری در گرو حکمرانی خوب»، *شهرداری‌ها*، سال ششم، شماره ۶۹، صص ۳۰-۳۳.
- تقوایی، علی‌اکبر؛ موسوی، تاجدار (۱۳۸۸)، «درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکرد تحلیل»، *فصلنامه مدیریت شهری*، شماره ۲۳، صص ۲۱-۳۵.
- جاجرمی، ایمان؛ بیگدلی، حسین؛ حناچی، مهناز (۱۳۸۳)، «مدیریت شهری پایدار»، تهران، انتشارات (سازمان شهرداری‌های کشور)، صص ۵۲-۶۷.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۹)، «مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی»، تهران، انتشارات سمت.
- حبیبی، محسن؛ سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۸۴)، «شهرسازی مشارکتی؛ کاوشی نظری در شرایط ایران»، *هنرهای زیبا*، شماره ۲۴، صص ۱۵-۲۴.
- حکمت‌نیا، حسن؛ موسوی، میرنجف (۱۳۸۱)، «تحلیل تاریخی از مشارکت شهروندان در اداره امور شهرهای ایران»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۸۰، صص ۱۷۶-۱۹۰.
- ربانی، رسول؛ عباس زاده، محمد؛ قاسمی، وحید (۱۳۸۶)، «بررسی تاثیر رفاه اقتصادی و اجتماعی بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری (مورد مطالعه شهر اصفهان)»، *مجله علوم اجتماعی*، شماره ۳، صص ۲-۱۹.
- رزمجویی، بهروز (۱۳۸۲)، «راهبردهای مشارکت مردمی در طرح‌های شهری»، همایش مسائل شهرسازی ایران، شیراز، صص ۳۹-۴۶.
- رضایی؛ نعمت (۱۳۸۹)، «مشارکت شهروندان در ساماندهی بافت فرسوده شهر شیراز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان فارس (۱۳۸۳)، *سالنامه آماری*.

- شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰)، «مشارکت شهروندی حکمرانی و مدیریت شهری»، *فصلنامه مدیریت شهری*، شماره ۸، صص ۶۲-۴۷.
- شهیدی، محمدحسین (۱۳۸۶)، «شهرسازی، حمل‌ونقل و حکمروایی شهری»، *جستارهای شهرسازی*، شماره‌های ۱۹ و ۲۰، صص ۴۵-۳۹.
- شهرداری شیراز (۱۳۹۲)، طرح جامع شهری، دفتر عمرانی شهرداری شیراز.
- شوریابی، حسین (۱۳۸۶)، «ارزیابی الگوهای مشارکت شهروندان تهرانی در طرح‌های توسعه شهری و ارائه الگوی بهینه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- شوماخر، ارنست فریدریک (۱۳۸۹)، «کوچک زیباست»، (ترجمه علی رامین)، تهران، انتشارات سروش.
- شیعه، اسماعیل (۱۳۸۲)، «لزوم تحول مدیریت شهری در ایران»، *مجله جغرافیا و توسعه*، شماره ۱، صص ۳۶-۲۴.
- طوسی، محمدعلی (۱۳۸۰)، «مشارکت در مدیریت و مالکیت»، تهران، انتشارات سازمان مدیریت دولتی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی و نفوس مسکن، شیراز.
- کیانی، گشتاسب (۱۳۸۷)، «بررسی وضعیت و عملکرد مدیریت شهری، نمونه موردی: سکونتگاه‌های شهری استان چهارمحال بختیاری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.
- Ahmed, I., (1999), "Governance and the international development community: making sense of the Bangladesh experience", *Contemporary South Asia*, 3 (3): 295-309
- Stephens, C., Satterthw, D., (2008), "Urban health in developing countries", *Environmental Impact Assessment Review*, 20: 299-310.
- Dekker, K., Kempen, R., (2004), "Urban governance within the big cities policy", *Journal of Cities*, 21: 41-55.
- McCarney, P., Halfani, M., Rodríguez, A., (1995), "Towards an Understanding of Governance, the emergency of an idea and its implications for urban research in developing countries", Toronto, University of Toronto.
- Robert, S. M., Wright, S., Neil, PH., (2007), "Good governance in the Pacific? Ambivalence and possibility", *Geoforum*, 38: 967- 984.
- UNDP, (1999), "Human Development Report", New York, 7-47.
- UNDP, (2002), "Governance Unit Jakarta, Introducing good Local Governance, the Indonesian Experience", Jakarta, University of Jakarta.
- UN-HABITAT., (2009), "Urban governance index (UGI) a tool to measure progress in achieving good urban governance", Neuoyork. [on line]: www.unhabitat.org.p8-126.